

# سیرتطورات اصطلاح هیولای اولی در آثار اندیشمندان مسلمان

محمود هدایت‌افزا<sup>۱</sup>

محمدجواد رضایی‌ره<sup>۲</sup>

## چکیده

میدانیم اصطلاح «هیولای اولی» در فلسفه مشاء منبعث از آراء ارسطو در باب ماده و صورت یا قوه و فعل است. اگرچه این عنوان با وصف «امری فاقد فعلیت و صرف قابلیت» در فلسفه اسلامی شهرت دارد، لیکن با تأمل در آثار اندیشمندان مسلمان مشاهده میشود که بدلیل تلفیق برخی آراء فلسفی با ایده‌های عرفانی و تأثیرپذیری از معارف اسلامی، تطورات معنایی گوناگونی در این اصطلاح رخ داده است؛ بطوری که در بعضی از مکاتب فکری، بنحو آگاهانه، بر امور بالفعل نیز اطلاق شده است.

در نوشتار حاضر هشت معنا از «هیولای اولی» احصاء گردیده که بترتیب زمانی بدین‌قرارند:

۱. امری فاقد هر نوع فعلیت و صرف قابلیت نزد مشائیان که معادل مفهوم ارسطویی آن است.

۲. مرتبه چهارم هستی در نزد اسماعیلیه که متأخر از نفس و مقدم بر طبیعت است.

۳. صرف اتصال جوهری در برخی کلمات شیخ‌اشراق که به همراه مقدار

۵۵

۱. دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه تهران، پردیس فارابی (نویسنده مسئول)؛

Mahmud hedayatfza@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی؛ rezaeirah@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲۴



عرضی حقیقت جسم را تشکیل میدهد.

۴. ماده جمیع عوالم امکانی و عبارت اخرای وجود منبسط در اصطلاح برخی عرفا

۵. حیثیتی از حیثیات صورت در راستای قول به ترکیب اتحادی ماده و

صورت نزد ملاصدرا

۶. معادل وجود امکانی یا وجه‌الرّب مخلوقات در اصطلاح شیخ احسانی

۷. بسط مفهوم ارسطویی هیولای اولی تحت عنوان ماهیت ظلمانی الذّات در

مکتب تفکیک

۸. اطلاق هیولای عالم بر ماء بسیط به استناد نصوص دینی در مکتب تفکیک

**کلیدواژه‌ها:** ماده اولی، قوه محض، اتصال جوهری، وجود منبسط، حیثیات صورت، وجه‌الرّب، ماهیت ظلمانی الذّات، ماء عالم

\* \* \*

### طرح مسئله

یکی از اصطلاحات فلسفی که با معانی متفاوت و گاه متضاد، در کتب فلسفی، کلامی و حتی عرفانی اندیشمندان مسلمان بکار رفته، «هیولای اولی» است. پیشینه این اصطلاح به فلسفه یونان و مباحث «ماده و صورت» یا «قوه و فعل» در نظام فکری ارسطویی برمیگردد که بعدها در آثار فیلسوفان مشائی تبلور ویژه‌ی یافته است. در این نگاه، «هیولا» به جوهری فاقد فعلیت و واجد قوه محض اطلاق میشود که برای فعلیت یافتن به تعلق صورت جسمیه و برای منشأ آثار شدن، به تعلق صور نوعیه محتاج است.

بر پایه چنین ذهنیتی، باور رایج اساتید فلسفه آن است که این مفهوم، فقط بمعنای ۵۶ «امری فاقد فعلیت و صرف قابلیت» در آثار متفکران مسلمان بکار رفته و حتی برخی معاصران، قائلان به فعلیت داشتن هیولای اولی را به بی‌خبری از اصطلاحات اولیه فلسفی متهم مینمایند.<sup>(۱)</sup> از اینرو پرسش اصلی ما در نوشتار حاضر این است که: آیا متفکران مسلمان، اصطلاح هیولای اولی را در باب امور بالفعل نیز بکار برده‌اند؟ اگر پاسخ، مثبت است، آیا این استعمال در موارد شاذ و نادر اتفاق افتاده یا دارای تنوع و تکرر معانی است؟

